

بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های نوانتشار یافته زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی کشور

* حسین داوری

** رضا خیرآبادی

*** سید بهنام علوی مقدم

E-mail: h.davari@du.ac.ir

E-mail: rkheirabadi@gmail.com

E-mail: behnamalavim@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۷

چکیده

متأثر از تحولات گسترده جهانی، مقوله هویت، به مثابه موضوعی مهم در پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی و نیز سیاست‌گذاری‌های کلان، با بازنمودهایی گوناگون همراه بوده است. این اهمیت سبب شده تا نظام‌های سیاسی به این مقوله نگاهی ویژه داشته باشند، که تجلی آن را می‌توان در حوزه آموزش زبان یافت. یافته‌ها مبین آن است با وجود آن‌که این مقوله در بررسی برخی کتاب‌های درسی نمود دارد، این موضوع کمتر در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی که خود می‌تواند حامل هویت و فرهنگ بیگانه باشد، بررسی شده است. در این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی محتوا و تصاویر کتاب‌های نوانتشار یافته زبان انگلیسی پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توجه به مقوله هویت ملی، به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین انواع هویت، در کتاب‌های جدید جایگاهی ویژه یافته است که می‌توان مبانی آن را در بهره‌گیری از رویکرد نوظهور آموزش انتقادی در حوزه آموزش زبان انگلیسی یافت.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، سیاست‌گذاری فرهنگی، زبان انگلیسی، کتاب درسی، آموزش انتقادی.

* دکتری زبان‌شناسی، استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه دامغان، نویسنده‌ی مسئول

** دکتری زبان‌شناسی، استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

*** دکتری زبان‌شناسی، دانشیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مقدمه

جایگاه انکارناپذیر نظام آموزش و پرورش به مثابه یکی از ارکان راهبردی سازنده هویت و فرهنگ موجب شده تا همواره در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان مورد توجه خاص باشد. شاهد گویای این مدعا را می‌توان در طراحی و تصویب چند سند مهم بالادستی در عرصه فرهنگی و آموزشی جست که نمونه بارز آن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است؛ سندی که به استناد رهبری و همکاران (۱۳۹۴) در مقوله هویت، ترکیبی از سه بعد هویت اسلامی (توحید، اصول و آموزه‌های اسلامی، عدالت و...)، هویت ایرانی (توسعه بومی، وحدت ملی، میراث فرهنگی و تمدنی، سرود و پرچم ملی، آمیختگی اسلام و ایران و ویژگی‌های سرزمین ایران) و هویت متجددانه (فناوری‌های نوین، رسانه و زبان خارجی) است.

توجه به این سند در کنار دیگر اسناد بالادستی و به‌ویژه نقشه جامع علمی کشور سبب شد تا از سال ۱۳۹۲ شاهد تغییر و تحولی بنیادین در کتاب‌های درسی در نظام آموزش و پرورش باشیم. در این بین، توجه به مقوله هویت در ابعاد و لایه‌های آن موجب شده تا در مواردی نمادها و مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی نمود آشکارتری در کتاب‌های درسی جدید داشته باشند.

البته این تغییر و تحول در کتاب‌های درسی، کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی را نیز با خود همراه ساخته است به نحوی که بعد از گذشت بیش از دو دهه، شاهد تألیف و انتشار مجموعه‌ای جدید و مبتنی بر رویکردی کاملاً متفاوت با کتاب‌های پیشین بوده‌ایم. حال این سؤال مطرح می‌شود که کتاب‌های نوانتشار یافته زبان انگلیسی به چه میزان و با بهره‌گیری از چه نمادهایی به بازنمایی هویت ملی پرداخته‌اند؟

در این مقاله، ضمن پاسخ به این پرسش، در کنار معرفی مقوله هویت و مشخصاً هویت ملی، مبتنی بر چارچوب نظری رویکرد آموزش انتقادی، با معرفی نمادها و مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های آموزشی، بازنمایی انواع مختلف گفتمان‌های هویتی در کتاب‌های جدید بررسی و تحلیل شده است. در این بررسی، نظر به اهمیت مقوله گفتمان، به تناسب موضوع و به‌ویژه در راستای گزینش و بررسی مؤلفه‌های هویت ملی و نحوه بازنمود آن به الگوهای رایج در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی توجه شده است. درخصوص اهمیت و ضرورت پژوهش‌هایی از این دست، ذکر این موارد می‌تواند راهگشا باشد. نخستین مسأله به اهمیت مقوله هویت و جایگاه و اقبال آن در حوزه‌ها و

شاخه‌های مختلف بازمی‌گردد. متأثر از تحولات اساسی در جوامع امروز که در سایه پدیده جهانی شدن حاصل آمده است، پرداختن به مقوله هویت و مشخصاً هویت ملی و ارتباط آن با حوزه‌هایی دیگر هم‌چون آموزش می‌تواند از اهمیتی به سزا برخوردار باشد.

دومین نکته به اهمیت جایگاه نظام آموزش رسمی کشور بازمی‌گردد؛ نظامی که از یک سو خود مجری سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در هر جامعه و از سوی دیگر مسئول برنامه‌ریزی در حوزه‌های مختلف آموزشی و تربیتی در نظام آموزشی است. آموزش و پرورش حوزه‌ای است که در آن پی‌ریزی شخصیت و چستی افراد در ابعاد مختلف شکل گرفته و هدایت می‌شود. به بیان روشن‌تر، به استناد شیخ‌وندی (۱۳۸۵) نهاد آموزش و پرورش می‌تواند از راه‌های مختلفی مانند معلم، کتاب‌های درسی و فضای آموزشی به هویت‌یابی دانش‌آموزان کمک کند؛ چرا که در نظام آموزشی کشور، کتاب‌های درسی بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. بی‌تردید ارایه و انعکاس صحیح مقوله هویت در ابعاد مختلف آن و به‌ویژه مقوله هویت ملی در کتاب‌های درسی می‌تواند کمکی شایان به هویت‌بخشی فراگیران کند.

نکته سوم در اهمیت پرداختن به موضوعی از این دست، به موضوع چالش‌برانگیز آموزش زبان انگلیسی و نیز حساسیت‌های پیرامون آن بازمی‌گردد. متأثر از ظهور رویکردهای انتقادی در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، امروزه تردیدی در وجود تعارض‌های گفتمانی این زبان و آموزش آن با گفتمان‌های حاکم در دیگر جوامع و به‌ویژه جوامع شرقی و یا اسلامی وجود ندارد (ر.ک: گری، ۲۰۱۳؛ کاناگاراچا، ۱۹۹۹). از این رو، چنین پژوهش‌هایی می‌تواند زمینه بررسی نسبت تأثیرگذاری‌های فرهنگی و هویتی آموزش زبان انگلیسی در جامعه ایران را فراهم آورد و به‌طور خاص از منظر کتاب درسی بدان بپردازد. آشکار است که در سایه‌ی ظهور رویکردهای جدید انتقادی در حوزه زبان‌شناسی و از آن جمله تحلیل گفتمان انتقادی و نیز در حوزه آموزش هم‌چون رویکرد آموزش انتقادی، فعالیتی چون آموزش زبان انگلیسی و ابعاد و مؤلفه‌های آن و از آن جمله تهیه و تدوین کتاب‌های درسی و نیز ارزشیابی آنها می‌تواند با توسل به سازوکارهایی متفاوت از الگوهای رایج دنبال شود. مضاف بر آن‌که در اسناد و برنامه‌ریزی‌های جدید آموزشی هم‌چون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مقوله‌ی هویت و آموزش زبان خارجی آشکارتر از گذشته مورد توجه بوده است.

پیشینه پژوهش

بحث هویت ملی در نظام آموزش و پرورش موضوعی است که در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از اجرایی شدن سند تحول بنیادین در برخی آثار و پژوهش‌ها نمود یافته است. مهم‌ترین آثار در این بخش را به اجمال می‌توان بدین نحو معرفی کرد. رهبری و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی جایگاه هویت ملی و نمادهای سه‌گانه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته‌اند. نهایندی و قربانعلی‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به تحلیل هویت ملی در کتاب جدیدالتألیف مطالعات اجتماعی پایه سوم ابتدایی و مقایسه آن با کتاب تعلیمات اجتماعی دوره قبل پرداخته‌اند. جعفرزاده‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی فراتحلیلی به مرور و بررسی شانزده پژوهش انجام شده حول هویت ملی در کتاب‌های درسی از منظر روش تحقیق، نوع مؤلفه‌ها و یافته‌ها پرداخته است. نتایج وی نشان می‌دهد که در دوره‌های زمانی گوناگون با توجه به سیاست‌های کلان جامعه، تدوین‌کنندگان کتاب‌های درسی به یکی از دو بعد دینی و یا ملی هویت ایرانیان توجه کرده‌اند و بعد دیگر، کمتر مورد توجه‌شان قرار گرفته است. منصوری و فریدونی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به تبلور هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی پرداخته‌اند. نویسندگان ضمن مهم برشمردن توجه به مقوله هویت در دوره دبستان با روش تحلیل محتوا به بررسی واژه‌ها، تصاویر، اشعار و داستان‌های کتاب‌های دوره ابتدایی پرداخته و نتیجه‌گیری کرده‌اند که تنها هفت درصد کل محتوای کتاب‌ها به مقوله هویت ملی ارتباط داشته است. صادقی و مرادخانی (۱۳۹۳) به مطالعه‌ی نحوه‌ی برساخت گفتمانی هویت در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی پرداخته‌اند. اما در حوزه زبان‌های خارجی، مقاله علوی‌مقدم و داورپناه (۱۳۹۳) شایان توجه است. نویسندگان به تحلیل محتوای هویت ملی در کتاب‌های آموزش زبان فرانسه در دوره‌های راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی نظام آموزش و پرورش ایران از ابعاد ملی، فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، خرده‌فرهنگ‌ها و نمادهای ملی پرداخته‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش به‌فراخور موضوع و در راستای تبیین روشن‌تر آن، مقوله هویت ملی و نمادها و مؤلفه‌های آن معرفی می‌شود. سپس به اجمال، به جایگاه دو مؤلفه آموزش انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه دو ابزار در تحلیل و بازنمایی عناصر و مؤلفه‌های هویتی در کتاب درسی و منطق بهره‌گیری از آنها پرداخته می‌شود.

۱- هویت: نمادها و مؤلفه‌ها

مدرسی (۱۳۹۳) هویت را به‌طور کلی کیستی فرد یا گروه از دیدگاه خود یا دیگری دانسته که ماهیتی چندلایه و پیچیده و ابعادی گوناگون و متنوع دارد که به استناد سوان و همکاران (۲۰۰۴) از جنبه‌های قومی، ملی، دینی و منطقه‌ای قابل بررسی است. در این بین، هویت ملی به‌عنوان مهم‌ترین نوع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

هویت ملی به استناد اسمیت ((۱۹۹۱)) به نقل از انصاری، (۱۳۸۳) به بازتولید و بازتغییر دایمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی می‌پردازد که میراث متمایز دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و اساساً هویت افراد با توجه به همین الگوها، میراث‌ها و یا عناصر فرهنگی تشخیص داده می‌شود. میرمحمدی (۱۳۸۳) هویت ملی را مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی یا تاریخی، فرهنگی و حماسی که زندگی انسان را دربرمی‌گیرد و عنصر جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند، معرفی می‌کند.

لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) در آرایه‌ی مؤلفه‌های هویت ملی به ریشه‌های تاریخی، سرزمین مشترک، دفاع از سرزمین و سنت‌های فرهنگی اشاره می‌کنند. در معرفی دیگر نمادهای هویت ملی، شیخاوندی (۱۳۸۰) و میرمحمدی (۱۳۸۳) به نمادهایی چون پرچم، سرود ملی، تقویم رسمی، جشن‌های ملی، اماکن تاریخی و جغرافیایی و نیز مشاهیر ملی و نخبگان جامعه اشاره می‌کنند.

جدیدی محمدآبادی (۱۳۹۴) نیز در معرفی نمادهای هویت ملی به جغرافیا و مکان‌های طبیعی و ملی، مشاهیر ایرانی و فرهنگ، دین، پرچم، سرود ملی، تقویم رسمی، ادبیات ملی، هنر ایرانی، اساطیر ایرانی و اماکن تاریخی اشاره می‌کنند؛ نمادهایی که می‌توانند در عرصه کتاب‌های درسی بازنمود محتوایی و یا تصویری داشته باشند.

اما در پژوهشی نظام‌مندتر، صادقی و مرادخانی (۱۳۹۳) با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، مقوله‌ی هویت ملی، ذیل گفتمان‌هایی چون ملی، دینی، بهداشت، زیست محیطی، اخلاق‌گرا، زبان و ادب فارسی و فردی و جنسیتی طبقه‌بندی شده است که در مقاله حاضر، برخی گفتمان‌های مورد اشاره استفاده شده است.

۲- آموزش انتقادی

به استناد اکبری (۲۰۰۸) حوزه آموزش زبان انگلیسی در دو دهه‌ی اخیر با تغییر و تحولاتی جدی همراه بوده که ماحصل آن مطرح‌شدن موضوعات و مباحث جدیدی بوده که سابقه‌ای در این حوزه نداشته است. از جمله این مباحث می‌توان به آموزش

انتقادی اشاره کرد. گرچه سابقه این رویکرد در حوزه تعلیم و تربیت به چهار دهه پیش بازمی‌گردد، اما ورود آن به حوزه آموزش زبان انگلیسی به دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد.

بررسی دیدگاه‌های حامیان و نظریه‌پردازان این رویکرد مبین آن است که اولاً تصور رایج مبتنی بر گسترش این زبان در قالب اصول، روش‌ها و مواد و منابع درسی تدوین شده در جوامع انگلیسی‌زبان، پدیده‌ای خنثی نبوده و آموزش این زبان صرفاً آموزش یک زبان خالی از پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه آموزش زبانی وابسته به قدرت و در چارچوب مسایل تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گفتمان حاکم بر جوامع انگلیسی‌زبان غربی است (ر.ک: پنی‌کوک، ۱۹۹۴؛ کروکس، ۲۰۰۹). از این‌رو، از منظر رویکرد انتقادی، شکل بخشیدن به نوعی آگاهی انتقادی درخصوص ماهیت و کارکرد زبان انگلیسی جنبه‌ی عمدتاً مغفول در حوزه آموزش این زبان است؛ حوزه‌ای که متأثر از روند حاکم بر آن به جنبه‌های روش‌شناختی آموزش تأکید دارد و از مسایل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این فعالیت و پیامدهای آن دوری می‌جوید (ر.ک: غفارثمر و داوری، ۲۰۱۱).

حال با توسل به این رویکرد به‌عنوان یکی از چارچوب‌های نظری در مواجهه با موضوع کتاب درسی، اولاً به استناد اکبری (۲۰۰۸) ضرورت تدوین کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی در راستای دامن‌زدن به تقویت خلاقیت، آگاهی و تفکر انتقادی، نیازسنجی، توجه به فضای فرهنگی و اجتماعی و غیره بیش از پیش پررنگ می‌نماید. به‌عنوان نمونه، در این رویکرد توجه به مقوله‌های فرهنگی و هویتی فراگیران از اهمیتی دوچندان برخوردار است (کاناگارا، ۱۹۹۹).

در راستای کاربردی‌ساختن این رویکرد در عرصه آموزش، اکبری (۲۰۰۸) اتکای به فرهنگ جوامع فراگیران را فرصتی معرفی می‌کند که به فراگیر این امکان را می‌دهد تا درباره‌ی جنبه‌ها و نمادهای مختلف فرهنگ و هویت خود به نظاره بنشیند و نه تنها با ابزار آموزش زبان از جهاتی چند با فرهنگ و هویت خود آشنا شود، بلکه با طرح آن در کتاب‌های درسی این شرایط حاصل شود تا فراگیر این زبان نوعی احترام و ارزش برای مؤلفه‌ها و نمادهای هویت و فرهنگ خود قایل شود تا در موقعیت‌های احتمالی پیش‌رو با بهره‌گیری از زبان بین‌المللی به معرفی و دفاع از آن بپردازد. به عبارت دیگر، به استنادگری (۲۰۰۰) و بانگاس (۲۰۱۰) درحالی‌که روح حاکم بر کتاب‌های بین‌المللی رایج، معرفی آرمانی فرهنگ و هویت جوامع انگلیسی‌زبان و کم‌اعتبار جلوه‌دادن و یا به حاشیه راندن فرهنگ و هویت دیگر جوامع است، بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و نمادهای

هویتی و فرهنگی جوامع فراگیران می‌تواند نه تنها از شکل‌گیری نوعی حس حقارت در فراگیران نسبت به جوامع‌شان خودداری کند، بلکه می‌تواند فرهنگ جوامع‌شان را در ذهن دیگران ارزشمندتر سازد و در عمل به معرفی، بازیابی و تقویت هویت فراگیران بینجامد. حال با توجه به معرفی آموزش زبان انگلیسی نه صرفاً به مثابه آموزش یک زبان و ضرورت آگاهی‌بخشی و تقویت تفکر انتقادی در فراگیران، بلکه می‌توان مصداق بارز توجه به این رویکرد در حوزه تهیه و تدوین کتاب‌های درسی جست. در این باره به استناد اکبری (۲۰۰۸) درمی‌یابیم که بررسی محتوایی کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی می‌بین آن است که عمدتاً نسبتی با جامعه‌ای چون ایران ندارند و از این‌رو برآورده‌کننده‌ی نیازها و تقویت‌کننده‌ی آگاهی افراد این جوامع نیست. به‌عنوان مثال، به استناد داوری و آقاگل‌زاده (۱۳۹۳) معرفی رسوم و جشن‌های مختلف در جوامع گوناگون هم‌چون جوامع آمریکای لاتین، آفریقا و جنوب شرق آسیا و یا جشن‌های مذهبی و آیین‌های نامتعارف می‌تواند در رویکرد انتقادی جای خود را به جشنی چون نوروز دهد.

۳- گفتمان

گفتمان عبارت است از کاربرد زبان در مفهوم عام آن به منظور برقراری ارتباط که به سطحی فراتر و کلان‌تر از سطح جمله، یعنی سطح متن در قالب و اشکال مختلف آن از جمله مکالمه، مصاحبه و یا متون نوشتاری می‌پردازد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۰). به بیان دیگر، گفتمان همان تجلی زبان در قالب گفتار و یا نوشتار در سطح متن است که در بطن خود نظر به فرایندهای اجتماعی ایجادکننده معنا دارد. گفتمان، عینیت بخش معنا و ارتباطات اجتماعی است که نه تنها به ماهیت‌ها و چیزهایی که می‌توان درباره آنها اندیشید و سخن گفت می‌پردازد، بلکه به مشارکت‌کنندگان و افراد دخیل در فرایند ارتباط نیز توجه دارد.

گفتمان در این مفهوم عام، پدیده‌ای است قابل توصیف و تحلیل از ابعاد مختلف و با استفاده از راهبردهای متنوع زبان‌شناختی و فرازبانی است. رویکردهای مختلفی به تحلیل گفتمان از جانب زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان به کار گرفته شده است، که یکی از رویکردهای شناخته شده این جریان به نام رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال کشف و بازنمایی سطوح پنهان و اهداف ایدئولوژیک نهفته در ورای هر متن دارد. بنابراین می‌توان کتاب‌های درسی را به‌عنوان پیکره قابل‌توجهی از متون، از منظر

گفتمان‌های مختلف از جمله از موضع گفتمان هویت‌مدار که دغدغه آن مطالعه یک گفتمان و نسبت آن با مجموعه عناصر هویت‌مدار است، بررسی و تحلیل کرد.

روش پژوهش

در این مقاله با بهره‌گیری از روش کیفی و نیز با استخراج نمادها و مؤلفه‌های هویت، مبتنی بر مبانی نظری تحلیل گفتمان و آموزش انتقادی به مثابه روش عملیاتی پژوهش، به بررسی توصیفی و تحلیلی تصاویر و مطالب کتاب‌های درسی زبان انگلیسی نوانتشار یافته پایه‌های هفتم تا دهم تحصیلی پرداخته شده است. برای نیل به این هدف، مفاهیم و مؤلفه‌های هویت ملی، مقوله‌بندی و کدگذاری شد. در واقع کتاب‌های چهارگانه پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم به‌عنوان جامعه آماری انتخاب و از مفاهیم، واژه‌ها و تصاویر نمونه‌هایی انتخاب شد تا دریا بایم چگونه این مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی در کتاب‌های نوانتشار، تبلور یافته‌اند.

یافته‌ها

بررسی پیشینه‌ی پژوهش در کنار توصیف و تحلیل کتاب‌های مورد نظر مبین آن است که منابع و معیارهای هویت و در رأس آن گفتمان هویت ملی در قالب مؤلفه‌هایی گوناگون قابل ارزیابی هستند. این نوع گفتمان که به نمادها و مفاهیم هویت ملی می‌پردازد، به ایران، آثار باستانی و تاریخی، زیبایی‌های جغرافیایی، پرچم، مراسم‌های ملی هم‌چون عید نوروز، شخصیت‌های برجسته ملی، سرود ملی، شهرهای ایران، اسطوره‌های تاریخی و ادبی، آثار ادبی و نیز به دلیل پیوند تاریخی مؤلفه دین با جامعه ایران، به عناصر دینی اشاره دارد. از آنجا که در رویکرد آموزش انتقادی، فراگیر زبان انگلیسی در کنار آشنایی با مفاهیم و مؤلفه‌های ملی کشورهای دیگر باید بتواند توانایی معرفی و انتقال ارزش‌ها و مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی خود را داشته باشد، بررسی این نمادها و مؤلفه‌ها که مبین و معرف جامعه ایران است، در کتاب‌های مورد بررسی این تجلی را داشته است:

الف) نقشه ایران

نقشه کشور به‌عنوان نمادی شاخص از مقوله هویت ملی در کتاب‌های زبان انگلیسی تازه تألیف، نمود بارزی دارد. به‌عنوان نمونه، علاوه بر جلد کتاب‌های هفتم تا نهم که منقش به نقشه ایران است، در کتاب هفتم (صص ۱ و ۲)، کتاب هشتم (ص ۱۷)، کتاب

نهم (ص ۲۵) و کتاب دهم (صص ۲۶ و ۹۰) تصویر نقشه ایران برجسته شده است. نکته مهم این‌که در نیمی از این تصاویر خلیج فارس، جلوه قابل توجهی دارد.

ب) پرچم ایران

پرچم نیز که به مثابه نمادی برجسته از هویت ملی شناخته می‌شود در تصاویر کتاب‌های مورد نظر برجسته است. آرایه‌ی تصویر پرچم به صورت مستقل و یا در دل تصاویر دیگر هم چون فضای مدرسه، بدنه هواپیما و غیره نمونه‌هایی از این بازنمود است. به عنوان نمونه، در کتاب هفتم (صص ۱۰، ۱۳، ۴۹ و ۶۹)، در کتاب هشتم (ص ۴۲)، در کتاب نهم (صص ۵۲ و ۱۱۹) و کتاب دهم (ص ۳۵) پرچم ایران برجسته است.

ج) مراسم‌های ملی

آرایه تصویر روز طبیعت در کتاب نهم (صص ۱، ۵۳ و ۱۲۰) و اختصاص یک گفت‌وگو به این موضوع، معرفی جشن نوروز در کتاب نهم (صص ۵۲ و ۶۰)، معرفی مراسم شب یلدا در کتاب نهم (صص ۵۸ و ۱۲۰) و نیز تصاویر جشن انقلاب در کتاب نهم (ص ۱، ۴۹ و ۱۱۹) در این قالب می‌گنجد.

مراسم‌های ملی که ریشه در تاریخ و فرهنگ جامعه ایرانی دارند، همچون جشن نوروز، شب یلدا و روز طبیعت مبین هویت ملی جامعه ایران محسوب می‌شوند. همچنین مراسم‌های ملی و جشن‌هایی چون گرامیداشت سالگرد انقلاب اسلامی نیز با هویت ملی گره خورده است.

د) مشاهیر و شخصیت‌های ملی

معرفی شخصیت‌های ادبی، علمی و فرهنگی، خواه شخصیت‌های تاریخی و خواه معاصر در هر جامعه مبین زاویه‌ای از هویت ملی آن جامعه است. در کتاب‌های مورد بررسی این موضوع آشکارا هویدا است. آرایه‌ی تصاویر ابوعلی سینا، پروفیسور سمیعی و دکتر محمد قریب در کتاب هشتم (ص ۳۹)، معرفی همراه با تصویر ابوعلی سینا، رازی و خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب دهم (ص ۷۰)، معرفی همراه با تصویر دکتر طاهره صفارزاده مترجم و شاعر فقید معاصر در کتاب دهم (ص ۸۲) و نیز آرایه‌ی تصاویر شهدای هسته‌ای به عنوان دانشمندان ایرانی در کتاب دهم (ص ۷۵) نمونه‌هایی از بازنمایی این مقوله است.

ه) سرود ملی

ارایه‌ی تصویری از تیم ملی فوتبال در حال خواندن سرود ملی و آموزش واژه مرتبط با آن در کتاب نهم (صص ۵۲ و ۱۱۹) نمونه‌ای از بازنمود این مؤلفه هویت ملی برشمرده می‌شود.

و) اماکن و زیبایی‌های جغرافیایی و تاریخی

این مؤلفه نیز تجلی بارزی در کتاب‌های مورد بررسی دارد. معرفی اماکن تاریخی اصفهان به همراه تصاویری هم‌چون چهل‌ستون، سی و سه پل (کتاب هشتم، صص ۷۹ و ۴۲)، حافظیه شیراز (کتاب دهم، ص ۲۷)، دریاچه گهر (کتاب دهم، ص ۴۹)، دشت خارتوران (کتاب دهم، ص ۲۶) و غیره نمونه‌هایی از این مؤلفه هستند. هم‌چنین معرفی نمادهای ملی‌ای چون برج میلاد (کتاب هفتم، ص ۱ و ۶۷؛ کتاب دهم، ص ۳۵) برج آزادی (کتاب دهم، ص ۹۷) قله دماوند (کتاب دهم، ص ۳۵) و یا بادگیرهای ایرانی (کتاب دهم، ص ۱۰۳) در کنار تصاویر آنها تقویت‌کننده‌ی این نوع گفتمان محسوب می‌شود.

در کنار این دسته از مؤلفه‌ها و نمادها، توجه به عنصر دین که پیوندی انکارناپذیر با عناصر ملی جامعه ایران دارد، نشان می‌دهد که این نوع گفتمان که در قالب نهادهای دینی و نیز نمادهای دینی و نیز مفاهیم ارزشی هم‌چون ایثار و شهادت و برخی دستورات و آداب دینی و نیز شخصیت‌های برجسته دینی تجلی دارد، در این کتاب‌ها تجلی بارزی دارد، مواردی چون معرفی اماکن مذهبی (کتاب هشتم، ص ۷۸؛ کتاب دهم، صص ۱۰۱ و ۱۰۵)؛ ارج نهادن به ایثار و شهادت در قالب معرفی سربازان به‌عنوان مظاهر شجاعت (کتاب نهم، صص ۱۸، ۱۱۳ و ۱۲۴)، تجلیل و تکریم شهدا و برجسته ساختن دانشمندان شهید هسته‌ای (کتاب نهم، صص ۱ و ۱۲۰؛ کتاب دهم، ص ۷۵)؛ توجه به اخلاق فردی و اجتماعی به‌ویژه اخلاق و آداب ایرانیان که البته با آداب اسلامی عجین شده (کتاب دهم، ص ۱۰۵)، تکریم و احترام به شهدا (کتاب نهم، صص ۱ و ۱۲۰)، عشق به کشور (کتاب دهم، صص ۳۵ و ۹۲) و معرفی افراد و شخصیت‌های علمی و دینی اخلاق مدار که با سخت‌کوشی به خدمت پرداخته‌اند (کتاب دهم، درس سوم) نمود محتوایی و تصویری دارد. البته در کنار این موارد، توجه به برخی از مفاهیم و نمادها همچون اقوام ایرانی و علایق آنها همچون لباس‌های محلی (کتاب نهم، صص ۵۳ و ۱۲۰)، معرفی غذاهای ایرانی (کتاب هفتم، ص ۴۳)، تقویم ایرانی (کتاب هشتم، ص ۲۰) و نیز ورزشکاران محجبه‌ی ایرانی (کتاب هشتم، ص ۳۳) و یا معرفی کلمه باشگاه در زبان

انگلیسی با تصویری که نام تختی، به‌عنوان قهرمان ملی ایران، را به همراه دارد، جملگی در راستای تقویت ملی قابل تعبیر است.

بحث و بررسی

وجود این دسته از نمادها و مؤلفه‌های محتوایی و تصویری از هویت ملی در کتاب‌های مورد نظر که از این بُعد متفاوت با کتاب‌های پیشین هستند، بیانگر آن است که متأثر از تحولات بخش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی که در اسناد بالادستی تجلی یافته، هستند؛ هویتی که گفتمان آن در ابعاد مختلف تاریخی، جغرافیایی، اسطوره‌ها، نمادها، دین و غیره نمود یافته است.

حال با توجه به رویکرد نظری پژوهش توجه به دو نکته مهم است. نخست آن‌که از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، کتاب درسی نمونه بارز یک گفتمان محسوب می‌شود که عناصر هویت‌مدار می‌توانند در راستای اهداف ایدئولوژیک سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در آن تجلی داشته باشند. از این منظر شاهدیم که انواع نمادهای هویت ملی در محتوا و تصاویر کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی نمود یافته است؛ نمادهایی که وراى ارائه‌ی اطلاعات صرف در راستای بازنمایی سطوح پنهان مقوله هویت از گذر آموزش زبان هستند. جدای از ارائه‌ی مطالب متعدد در خصوص هویت ملی، مؤلفه تصویر از حیث کمی و کیفی در کتاب‌های جدید در مقایسه با کتاب‌های پیشین جایگاهی خاص یافته است. به‌عنوان نمونه، درحالی‌که عملاً کتاب‌های پیشین تهی از هرگونه مؤلفه تصویری و نیز محتوایی درباره ایران و هویت ملی بود، در این کتاب‌ها متأثر از رویکرد آموزش انتقادی و توجه به ابعاد هویت ایرانی - اسلامی که مصرح اسناد بالادستی است، شاهد شمار و نیز نسبت قابل توجهی از تصاویر مرتبط با هویت ملی و مشخصاً نمادهایی چون تصویر نقشه، پرچم، مراسم‌های ملی، مشاهیر و شخصیت‌های ملی، اماکن جغرافیایی و تاریخی و غیره هستیم. با مشاهده این تحول برجسته و معنادار در این کتاب‌ها که با محتوای مرتبط با آن همراه شده است، بیش از پیش به اهمیت مؤلفه تصویر به‌عنوان نمونه‌ای از بازنمود گفتمان موردنظر در متون آموزشی پی می‌بریم. در این خصوص، به بیانی روشن‌تر می‌توان بر این نکته تأکید کرد که عنصر تصویر در مقایسه با کتاب‌های پیشین که نه تنها از لحاظ کمی و کیفی بسیار ناچیز بود، بلکه جنبه صرفاً تزئینی داشت، در این دسته از کتاب‌ها متناسب با الگوی هارتلی (۱۹۹۱)، می‌تواند علاوه بر نقش زیباشناختی، دارای نقش‌های عاطفی (افزایش

انگیزه و علاقه)، نقش توجه بخشی (جلب توجه و جهت‌دهی به آن)، نقش آموزشی (تسهیل یادگیری) و نقش یادسپاری (تسهیل یادآوری موضوع و محتوا) باشد. اما از منظر دیگر که ارتباطی تنگاتنگ با این رویکرد انتقادی دارد، می‌توانیم این‌گونه به مواجهه با موضوع پردازیم که از منظر آموزش انتقادی، اتکا به فرهنگ دیگر جوامع و در رأس آن فرهنگ جامعه فراگیران این امکان را می‌دهد تا جنبه‌ها و نمادهای مختلف هویت و فرهنگ یک جامعه با ابزار زبان انگلیسی طرح شود تا فراگیران در خلال یادگیری این زبان با شواهد ملموس بتوانند نوعی ارزش و احترام برای هویت و فرهنگ خود قابل شوند.

همان‌گونه که اشاره شد، برخلاف روح حاکم بر کتاب‌های بین‌المللی آموزش زبان انگلیسی که در راستای به حاشیه راندن فرهنگ و هویت دیگر جوامع هستند، توجه به این بعد می‌تواند به بازنمایی و تقویت هویت فراگیران بینجامد. بنابراین می‌توان این‌گونه استدلال کرد که گفتمان هویت ملی در قالب آموزش انتقادی در کتاب‌های نوانتشاریافته زبان انگلیسی تجلی یافته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر پایه یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، نتایج زیر قابل‌ارایه است:

الف) برخلاف کتاب‌های پیشین آموزش زبان انگلیسی که تا حد قابل‌توجهی تهی از مقوله هویت ملی و گفتمان‌های آن بود، در کتاب‌های جدید اهمیاتی خاص به این مقوله شده است. از این‌رو می‌توان این دسته از کتاب‌ها را از این حیث همسوی با اسناد بالادستی مانند سند برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین برشمرد.

ب) تأملی بر گفتمان‌های هویتی غالب در این کتاب‌ها مبین آن است که از لحاظ توجه به نمادها با تنوعی قابل‌توجه همراه بوده است؛ تنوعی که از حیث محتوا و تصاویر نمودی بارز دارد.

ج) تأیید امکان بهره‌گیری از هویت و فرهنگ بومی در کتاب‌های زبان انگلیسی متناسب با نیاز فراگیران، موضوعی است که در بررسی این دسته از کتاب‌ها تا حد قابل‌توجهی تأیید می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، این مسأله در قالب رویکرد آموزش انتقادی قابل‌تحقق است.

جدای از این نتایج، البته پیشنهادهایی نیز بدین نحو قابل‌ارایه است. شایسته است در راستای بررسی کارآمدی و نیز تأثیرگذاری بهره‌گیری از این نوع گفتمان در

کتاب‌های مورد اشاره، پژوهش‌هایی به انجام رسد. در این دسته از پژوهش‌ها، نگرش‌سنجی از فراگیران و نیز مدرسان می‌تواند از ابعادی خاص راه‌گشا باشد. هم‌چنین با توجه به ضرورت ارزیابی این دسته از کتاب‌ها و هویداساختن نقاط قوت و کاستی‌های آن، پیشنهاد می‌شود تا ابعاد هویتی و فرهنگی آنها با بهره‌گیری از رویکردها و چارچوب‌های متفاوت گفتمانی مورد بررسی محتوایی و صورتی قرار گیرد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۲)؛ *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*، تهران: انتشارات علمی.
- جدیدی محمدآبادی، اکبر (۱۳۹۴)؛ «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی و علوم اجتماعی پایه ششم ابتدایی از حیث توجه به هویت ملی بر محور استانداردهای مصوب»، *پژوهش در یادگیری آموزشگاهی*، ش ۱۱، صص ۴۸-۴۱.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۹)؛ کتاب‌های درسی و هویت ملی (فراتحلیل مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی)، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۴۲، صص ۵۴-۳۱.
- داوری، حسین؛ آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۳)؛ «آموزش انتقادی: رویکردی کارآمد در تهیه و تدوین کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی در ایران»، *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ش ۳۳، صص ۱۷۸-۱۵۱.
- رهبری، مهدی و همکاران (۱۳۹۴)؛ «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ج.ا.ایران». *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۶۱، صص ۶۶-۴۵.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰)؛ *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ----- (۱۳۹۳)؛ «بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۸۷، صص ۱۲۰-۹۳.
- صادقی، علی‌اشرف؛ مرادخانی، همایون (۱۳۹۳)؛ «برساخت گفتمانی هویت در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی»، *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، س ۵، ش ۴، صص ۹۵-۶۵.
- علوی‌مقدم، سیدبهنام؛ داورپناه، زهرا (۱۳۹۳)؛ «تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتب آموزش زبان فرانسه مقاطع راهنمایی، دبیرستان - پیش‌دانشگاهی»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ش ۵۲، صص ۱۳۲-۱۱۷.
- لطف‌آبادی، حسین؛ نوروزی، وحیده (۱۳۸۳)؛ «بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، دوره ۳، ش ۹، صص ۱۱۹-۸۸.
- مدرس، یحیی (۱۳۹۳)؛ *زبان و مهاجرت*. تهران: پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منصور، علی؛ فریدونی، آریتا (۱۳۸۸)؛ «تبلور هویت ملی در کتب درسی محتوای کتاب فارسی دوره‌های ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۸، صص ۴۶-۲۷.

- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳): *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- نهاوندی، مریم‌نجار؛ قربانعلی‌زاده، مژده (۱۳۹۳): «تحلیلی بر هویت ملی در کتب درسی (مطالعه موردی مطالعات اجتماعی)»، *نشریه پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲۹، صص ۱۰۱-۷۹.
- Akbari, R. (2008); Transforming lives: introducing critical pedagogy into ELT classrooms, *ELT Journal*, Vol. 62, No.3, PP 276-283.
- Banegas, D. L. (2010); Teaching More than English in Secondary Education, *ELT Journal*, Vol. 65,1, PP 80-82.
- Canagarajah, A. S. (1999); *Resisting Linguistic Imperialism in English Teaching*, Oxford: Oxford University Press.
- Crawford, L. M. (1978); *Paulo Freire's philosophy: derivation of curricular principles and their application to second language curriculum design*, Unpublished doctoral dissertation, University of Minnesota. Retrieved from ProQuest Digital Dissertations.
- Crookes, G. (2009); The practicality and relevance of second language critical pedagogy. *Language Teaching*, PP 1-16.
- Ghaffar Samar, R. and Davari, H. (2011); Liberalist or alarmist: Iranian ELT community's attitude to mainstream ELT vs. critical ELT, *Asian TESOL Journal*, 5 (2), PP 63-91.
- Gray, J. (2000); The ELT coursebook as cultural artifact: how teachers censor and adapt, *ELT Journal*, Vol. 54, No. 3, PP 244-253.
- Gray, J. (2013); *The Construction of English: Culture, Consumerism and Promotion in the ELT Global Coursebook*, London: Palgrave Macmillan.
- Hartley, J. (1991); *Designing Instructional Text*, London: Kogan.
- Pennycook, A. (1994); *The Cultural Politics of English as an International Language*, Harlow, Essex, UK: Longman Group Limited.
- Swann, et. al. (2004); *A Dictionary of Sociolinguistics*, Edinburgh: Edinburgh University Press.